

## فصل اول: کلیات

### مقدمه

در هر زبانی واژه‌ها به معانی مختلف استعمال می‌شوند، گاهی یک واژه در جمله‌ای معنایی می‌دهد که همان واژه به تناسب سیاق در جمله‌ی دیگر معنای متفاوت و گاهی متضاد دارد و تنها به کمک قرینه‌های مختلف می‌توان به مفهوم درست آن پی برد، بدین جهت دانشمندان و متخصصان علوم قرآنی، موضوعی را تحت عنوان « وجوه و نظایر » مطرح کرده و آن دسته از واژه‌های قرآنی را که در موارد مختلف، معانی مختلف دارند مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. اشتغال قرآن بر الفاظی که معانی گوناگونی دارند باعث پیدایش علم وجوه و نظایر شد که بعداً یکی از شاخه‌های علوم قرآنی به شمار آمد، این علم را همچنین می‌توان یکی از شاخه‌های تفسیر به شمار آورد یعنی یک کلمه در چند موضع از قرآن، یکسان (از جهت حروف، حرکت و سکون) ذکر شود و در هر موضع معنایی دگر دهد. مثلاً کلمه «قضا» در قرآن معانی مختلف دارد، گاهی به معنی حکم کردن است مانند «والله یقضی بالحق» (خدا به حق حکم می‌کند) و گاهی به معنای آفریدن است مانند «ففضاهن سبع سموات» (پس آنها را هفت آسمان آفرید) و گاهی به معنای انجام دادن است مانند «فاذا قضیتم مناسککم» ( و چون مناسک خود را انجام دادید) و گاهی به معنی کشتن است مانند «فوکزه موسی فقضی علیه» ( موسی به او حمله کرد پس او را کشت.) و معانی دیگر.

برای کسی که قرآن را به زبان‌های دیگر ترجمه می‌کند، آشنایی با وجوه و نظایر از ضرورت‌های اولیه است، ما در این تحقیق درصددیم بررسی کنیم که آیا مترجمان فارسی قرآن در عصر حاضر توانسته‌اند در ترجمه‌های خویش به این مهم جامه عمل بخشند. و معانی واژگان نظایر را در ترجمه رعایت کنند، به همین منظور هفت ترجمه از ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی را انتخاب کرده و به مقایسه و بررسی چگونگی بازتاب معانی هر واژه در این ترجمه‌ها با توجه به وجوه معانی‌ای که در کتب وجوه و نظایر و در تفاسیر آمده است، پرداخته‌ایم، هر یک از این ترجمه‌ها دارای سبک خاصی می‌باشد به عنوان مثال هم می‌توان به ترجمه‌ی تحت اللفظی آقای معزّی اشاره کرد و هم به ترجمه‌ی تفسیر گونه‌ی آقای بهبودی، هم چنین پنج ترجمه‌ی دیگر (آیتی، پاینده، رهنما، خواجوی و فولادوند) که هر یک ترجمه‌ای روان از قرآن ارائه داده‌اند.

بنابراین با توجه به سبک هر یک از مترجمان در ترجمه، رعایت وجوه معانی واژگان در این ترجمه ها بیانگر فضای ترجمه ی فارسی و تبخّر و مهارت هر یک از مترجمان در انعکاس دانش وجوه و نظایر و یا احیاناً خلاً این دانش در ترجمه هاست. برای رسیدن به هدف فوق بنا را بر اختصار گذارده و بنا به تصویب کمیته تخصصی تحصیلات تکمیلی گروه علوم قرآن و حدیث از بین الفاظ متعددی که در کتب وجوه و نظایر ذکر شده بیست واژه را مورد بررسی قرار داده ایم، اولویّتی که در انتخاب این واژه ها در نظر گرفته ایم کاربرد زیاد آن در آیات قرآن می باشد.

### روش تحقیق:

روش تحقیق بدین منوال است که ابتدا از کتب وجوه و نظایر آغاز نموده و معانی واژه های نظیرو یکسان را در هفت اثر معروف که در این زمینه نگاشته شده مبنا قرار داده ایم. این آثار عبارتند از:

- ۱- الاشباه و النظایر فی القرآن، اثر مقاتل بن سلیمان بلخی (متوفی ۱۵۰هـق).
- ۲- تأویل مشکل القرآن، ( باب اللفظ الواحد للمعانی المختلفة) اثر ابن قتیبه (متوفی ۲۷۶هـق).
- ۳- الاشباه و النظایر فی الالفاظ القرآنیة ، اثر عبدالملک بن محمد ثعالبی (متوفی ۴۲۹ هـق)
- ۴- وجوه القرآن الکریم، اثر حیری نیشابوری (متوفی ۴۳۰هـق).
- ۵- الوجوه والنظائر فی القرآن، اثر حسین بن محمد دامغانی (متوفی ۴۷۸هـق).
- ۶- وجوه قرآن، اثر ابوالفضل حبیب بن ابراهیم تفسلیسی (متوفی ۶۰۰هـق).
- ۷- الاتقان فی علوم القرآن، ( باب وجوه و نظایر) اثر جلال الدین سیوطی (متوفی ۱۱۱۱هـق).

پس از استخراج و انتخاب وجوه معانی موجود در این آثار در باره واژه های منتخب، آیاتی را که صاحبان این آثار به عنوان شاهد مثال آورده اند ذکر کرده و آنگاه ترجمه هر یک از مترجمان را در خصوص معانی این آیات و آیات دیگر، مطالعه و مقایسه کرده ایم تا معلوم گردد که این ترجمه ها با وجوه معنایی که در کتب وجوه و نظائر آمده، منطبق است یا نه؟ درپاره ای از موارد به لحاظ وجود آیات فراوان برای یک وجه معنایی، شماره آیه را نوشته و از ذکر متن آیه برای رعایت اختصار خودداری کرده ایم و در موارد عدیده ای برای فهم معانی واژگان، از تفاسیر هم مدد جسته ایم.

در بخش انتهایی بررسی واژگان این تحقیق، ذیل هر واژه به آن دسته از معانی واژه ها که در بعضی از کتب وجوه و نظایر آمده و در ترجمه ها نیز به ندرت انعکاس یافته پرداخته و در پایان بررسی ها روشن نموده ایم که هر یک از مترجمان معاصر ( آیتی، پاینده، خواجهوی، رهنما، فولادوند، معزی و بهبودی) تا چه اندازه وجوه معنایی واژه های نظیر هم را در ترجمه خود مد نظر قرار داده و به نحوی منعکس نموده اند.

### **سؤالهای اساسی تحقیق**

دانش وجوه و نظایر چه نقشی را در ترجمه قرآن ایفا کرده است؟  
ترجمه های معاصر فارسی قرآن کریم تا چه میزان از دقت برخوردار است؟  
دقیق ترین و متقن ترین ترجمه از نظر رعایت وجوه و نظایر کدام ترجمه است؟  
ترجمه های معاصر فارسی تا چه میزان در ترجمه ی واژه های اساسی قرآن موفق بوده اند؟

### **ضرورت تحقیق**

شناخت وجوه و نظایر از ضرورت های اولیه برای مترجمان قرآن کریم است. با توجه به گوناگونی موارد کاربرد واژه ها در زبان عربی همواره با این واقعیت مواجه هستیم که گاهی یک واژه در جمله ای معنایی می دهد که همان واژه در جمله ی دیگر معنای متفاوت و گاهی متضاد دارد و با قرینه های مختلف می توان به مفهوم درست آن واژه پی برد. وجوه و نظایر در قرآن نشان دهنده ی آن است که این کتاب عظیم دارای لایه های مختلف معنایی است، بنابراین فهم دقیق بسیاری از واژه ها منوط به فهم دانش وجوه و نظایر می باشد. ولی مترجمان قرآن در ترجمه ی برخی واژه ها دچار لغزش شده اند و یک واژه را که در موارد گوناگون معنای متفاوتی دارد و یا همه را به یک معنا ترجمه کرده اند و یا به وجه دیگری ترجمه کرده اند که نارساست.

### **فرضیه های تحقیق**

شناخت دانش وجوه و نظایر از ضروریات فهم و ترجمه ی قرآن کریم و یکی از بایسته های یک مترجم است که بدون شناختن این بحث بیساری از ظرافتها و دقایق معنایی قرآنی مورد غفلت قرار می گیرد. ترجمه های فارسی معاصر از دقت کافی در ترجمه ی قرآن از نظر رعایت وجوه برخوردار نیستند ولی بر اساس بررسی های به عمل آمده ترجمه ی آقای محمد خواجهوی از دیگر ترجمه ها دقیق تر است.

### **پیشینه تحقیق**

در مورد ترجمه های فارسی معاصر که در این پژوهش از جهت وجوه و نظایر مورد بررسی قرار گرفت تا آنجا که جستجو شد کتاب یا پایان نامه ای وجود ندارد، تنها یک مقاله از آقای یعقوب جعفری در حدود هفت صفحه به موضوع ضرورت شناخت وجوه و نظایر به همراه چند مصداق آن به صورت کلی پرداخته است و به لغزش های برخی مترجمان آن هم جز به صورت گذرا اشاره نکرده است.<sup>۱</sup>

## علم وجوه و نظائر

دانش مربوط به وجوه و نظائر قرآن، یکی از شاخه های مفردات قرآن است. دانشمندان اسلامی به این شاخه از علوم قرآنی و تفسیر، توجه خاص مبذول داشته و در قالب کتاب های مستقل همچون کتب الوجوه و النظائر و الاشباه و النظائر، یا وجوه قرآن، درباره واژه های دارای وجوه معانی بررسی و تحقیق کرده اند.

## تعریف وجوه و نظائر

### ۱- وجوه و نظائر در لغت :

#### الف- وجوه در لغت:

مفرد این واژه «وجه» و جمع دیگر آن «أوجه» و «أجوه» در لغت به معنی روی هر چیز، آن مقدار از ستاره که آشکار گردد، صورت انسان و حیوان، مقصود سخن، ابتدا و آغاز، رأی و نظر و سوی و جهت آمده است. در لسان العرب آمده است :

وجه الرأى : رأى و نظر.

وجه النهار : ابتدا و آغاز روز.

وجه النجم : آن مقدار از ستاره که برای ما ظاهر می شود .

وجه الكلام : سخنی که آن را قصد می کنیم .<sup>۲</sup>

الوجه : الجهة ، النحو . یعنی سوی و جهت .<sup>۳</sup>

وجه در اصل، صورت و چهره است و چون صورت اولین چیزی است که با تو روبرو می شود و نیز از

<sup>۱</sup> جعفری، یعقوب، ضرورت شناخت وجوه و نظایر در قرآن کریم، ص ۱۱، ترجمان وحی، سال دوم، شماره چهار

<sup>۲</sup> ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ماده (وجه)، ج ۱۳، ص ۲۲۶، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

<sup>۳</sup> خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۶۶، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

همه اعضاء بدن اشرف است. لذا به معنی روی هر چیز، اشرف هر چیز و اول هر چیز به کار رفته است<sup>۱</sup> در جای دیگر وجه به این صورت تعریف شده است: الوجه: مستقبل كل شیء. وجه روی هر چیز است.<sup>۲</sup>

از مصادیق وجه: آنچه از ذات یا عمل و روی هر چیزی است و نیز حالت مخصوص و جالب توجه و منزلت و رتبه و مقامی که موجب توجه می شود. و جهت و مکان و جانبی که به آن روی می آورند.<sup>۳</sup>

## ب- وجه در قرآن:

وجه در قرآن به صورت فعل فقط از باب تفعیل و تفعّل آمده است.<sup>۴</sup> مثل: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» انعام/۷۹ «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ» قصص/۲۲.

در بسیاری از آیات قرآن وجه به خدا نسبت داده شده و این آیات دو قسم اند:

اول مانند آیات «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (رحمن/۲۶ و ۲۷)

و نیز «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ...» (قصص/۸۸)

ظاهراً مراد از وجه در این دو آیه ذات پروردگار است.

قسم دوم آیاتی که وجه را به خدا نسبت می دهد. مانند: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ...» (رعد/۲۲)

«أِنَّمَا نَطْعَمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ» (انسان/۹) و آیه «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ»

(انعام/۵۲)

مراد از وجه در این گونه آیات ظاهراً رحمت و ثواب و رضایت خداوند است.

ظاهراً سرّ اینکه وجه در جای ثواب و رضایت آمده است آن است که انسان در سؤال و طلب خویش

اول وجه و چهره طرف را می خواهد تا روبرو شده و مطلب خویش را اظهار دارد. نیکوکاران هم در

عمل خویش چنین اند، بعید نیست که وجه در این آیات مصدر و به معنی توجه کردن و روی کردن

<sup>۱</sup> راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۵۵، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق - بیروت، دارالعلم دارالشمیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

<sup>۲</sup> ابن فارس، احمد، معجم المقاییس فی اللغة، ص ۱۰۸۳-۱۸۰۴، تحقیق شهاب الدین ابوعمر، بیروت، دارالفکر، [ابی چا]، [ابی تا]؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۵۷، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

<sup>۳</sup> مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۴۵، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، [ابی چا]، ۱۳۶۰ش.

<sup>۴</sup> و به صورت اسم «وجه» در قرآن به ۱۳ معنا به کار رفته است و به صورت «وجهه» و «وجه» نیز به کار رفته است

باشد یعنی مؤمنان برای توجّه و روکردن به خدا چنین می کنند و توجّه خدا عبارت دیگر ثواب و رضایت خداست.<sup>۱</sup>

وجه در قرآن به معنی چهره ، روی ، صورت می باشد چنان که در آیه ۷۹ سوره انعام می فرماید : «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ...»

و گاهی وجه به ذات و حقیقت آن چیز گفته می شود چنان که در آیه ۸۸ سوره قصص می فرماید: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ» یعنی همه چیز نابودند جز ذات او . و وجه الله به معنی رضایت و رحمت و ثواب خداوند است، چنان که در آیه ۹ سوره دهر می فرماید :

«أَنَّمَا نَطْعَمُكُمْ لُوجْهَ اللَّهِ»

جمع وجه وجوه است چنان که در آیه ۱۰۶ سوره آل عمران می فرماید : «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ»

و به بزرگان و اعیان قوم نیز وجوه گفته می شود . و از این ماده است :

وجیه - یعنی محترم ، با قدر و منزلت و بزرگ قوم ، چنان که در آیه ۶۹ سوره احزاب می فرماید : «وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا» یعنی موسی نزد خدا محترم و با منزلت بود .

وجه - یعنی آنچه انسان به آن رو می کند، چنان که در آیه ۱۴۸ سوره بقره می فرماید : «لِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مَوْلِيهَا» یعنی برای هر قوم قبله ای است که به آن رو می کنند .

توجه - یعنی روی آوردن . چنان که در آیه ۲۲ سوره قصص می فرماید :

«وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ...» و این ماده در ضمن آیات قرآن به معانی مختلفی به کار برده شده است.<sup>۲</sup>

### ج- نظائر در لغت:

مفرد این واژه «نظیر» و جمع دیگر آن «نظراء» می باشد . این واژه از ماده ی «نَظَرَ» و در لغت به معنای مثل و مانند و برابر و مساوی است . در «العین» آمده است : «نَظِيرُ الشَّيْءِ : مِثْلُهُ لِأَنَّهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا كَأَنَّهَا

<sup>۱</sup>. قرشی ، سید علی اکبر ، قاموس قرآن ، ج ۷ ، ص ۱۸۴-۱۸۵ ، تهران ، دار الکتب الإسلامیة ، چاپ ششم ، ۱۳۷۱ ش .

<sup>۲</sup>. رک: کتاب واژگان پژوهی قرآنی (تحقیقی در وجوه و نظایر در قرآن کریم)، دکتر محمود سرمدی ص ۳۳۹-۳۴۱، قم ، انتشارات الهادی، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، باندکی تلخیص

سواءً في المنظر» (یعنی مثلش ، زیرا هنگامی که به آن دو چیز نگاه شود گویی که آن دو مساوی و برابرند).<sup>۱</sup>

## ۲- وجوه و نظائر در اصطلاح :

وجوه و نظایر قرآن از جمله دانش هایی است که به عنوان پیش نیاز فهم و تفسیر قرآن کریم به شمار می رود.<sup>۲</sup>

مفسران در مقام گفتگو درباره واژه های قرآن به شرح وجوه معانی آن می پرداختند ، و اصولاً علم وجوه قرآن از فروع علم تفسیر است.

صاحب کتاب *الاتقان فی علوم القرآن* گوید: این را از معجزات قرآن نامیده اند از آن جهت که یک کلمه به بیست وجه یا بیشتر و یا کمتر صرف می شود، و این در سخن افراد بشر نیست.<sup>۳</sup>

اشتمال قرآن بر الفاظی که معنای گوناگونی دارند باعث پیدایش علمی به نام (علم وجوه و نظایر) شد که بعدها یکی از شاخه های علوم قرآنی به شمار آمد. منظور از وجوه ، معانی گوناگون یک لفظ بر حسب موارد استعمال آن است و منظور از نظایر ، همین الفاظ است که با وجود اختلاف معانی ، شبیه هم هستند. بنابر این وجوه مربوط به معانی و نظایر مربوط به الفاظ است.<sup>۴</sup>

نخستین تعریف از این علم به معنی اصطلاحی آن در کتاب ابن جوزی به نام «نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه و الاشباه و النظائر» است که تألیف آن به قرن ششم یعنی چهار قرن بعد از نخستین تألیف در این موضوع بر می گردد.

ابن جوزی می گوید : «معنای وجوه و نظائر آن است که یک واژه در چند جای قرآن به یک لفظ و یک حرکت آمده باشد و در هر موضع معنایی غیر از موضع دیگر داشته باشد . لفظ هر کلمه که در موضعی آمده ، نظیر همان لفظ در جای دیگر باشد و تفسیر هر کلمه به معنایی غیر از معنای دیگر باشد که این همان وجوه است . بنابراین نظایر ، نامی برای واژگان است و وجوه نامی برای معانی است و این ، اصل در نگارش کتاب های وجوه و نظایر می باشد»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> خلیل بن احمد فراهیدی ، العین ، ج ۸ ، ص ۱۵۶.

<sup>۲</sup> دبیری بیدگلی ، محمد تقی ، درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی ، ص ۱۹۷ ، قم ، انتشارات دانشگاه قم ، چاپ اول ، ۱۳۸۵.

<sup>۳</sup> خواجوی ، محمد ، ترجمه قرآن ، تهران ، انتشارات مولی ، چاپ اول ، ۱۴۱۰ ق

<sup>۴</sup> جعفری ، یعقوب ، ضرورت شناخت وجوه و نظایر در قرآن کریم ، ص ۱۱ ، ترجمان وحی ، سال دوم ، شماره چهار

<sup>۵</sup> ابن جوزی ، جمال الدین ابوالفرج ، نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه والنظائر ، تحقیق محمد عبد الکریم کاظم الراضی ،

بیروت ، موسسه الرساله ، چاپ اول ، ۱۹۸۴ م ، ص ۸۳

صاحب کتاب «البرهان فی علوم القرآن»، بدرالدین زرکشی می گوید :

وجوه لفظ مشترکی است که در چند معنا استعمال می شود، مانند « اُمَّة » و نظائر مانند الفاظ متساوی و مترادف می باشند، نظائر در لفظ است و وجوه در معانی.<sup>۱</sup>

اما زرکشی در ادامه ، هر یک از وجوه و نظائر را به الفاظ بر می گرداند و نظری مخالف آنچه گفته بود، ابراز می کند.

حاجی خلیفه در تعریف وجوه و نظائر تصریح می کند که وجوه همان معانی، و نظائر همان الفاظ است. وی می گوید :<sup>۲</sup>

«علم وجوه و نظائر از شاخه های تفسیر است و معنای آن ، این است که یک واژه در چند موضع از قرآن ، به لفظ واحد و حرکت واحد ذکر شود ، ولی هر بار با معنایی متفاوت به کار رود ، به طوری که لفظ یاد شده در مواضع مختلف یکسان باشد و این همان «نظائر» است و اگر تفسیر هر واژه با دیگری فرق داشته باشد ، به آن «وجوه» گویند ؛ از این رو ، نظائر نام الفاظ و وجوه نام معانی است...».

« به نظر می رسد که تعریف وجوه به معانی و نظائر به الفاظ ، تعریف درستی باشد ، زیرا در این مقوله آنچه شبیه هم است الفاظ است و آنچه با یکدیگر فرق دارد همان وجوه و معانی الفاظ است و معمولاً به معانی، وجوه گفته می شود ، مثلاً می گویند: این لفظ بر چند وجه دلالت دارد ، که منظور همان معانی و مفاهیم است در روایتی نیز از امیر المومنین (ع) وجوه قرآن به معانی و تأویل های آن اطلاق شده است.»<sup>۳</sup>

گذشته از این نجف عرشی - محقق و مصحح کتاب وجوه القرآن حیری نیشابوری - در مقدمه ای که بر این کتاب نگاشته است، پس از این که اختلاف نظر دانشمندان را در مورد تعریف اصطلاحی وجوه و نظائر بیان می کند نظر خود را اعلام می کند و می گوید: ما در این مورد با نظر ابن جوزی صاحب کتاب «نزهة الأعين النواظر فی علم الوجوه و الاشباه و النظائر» هم عقیده هستیم و پس از این که سخن ابن

۱. زرکشی ، محمد بن بهادر ، البرهان فی علوم القرآن ، ج ۱ ، ص ۱۰۲ ، بیروت ، دار المعرفه ، ذتحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم ، ابی چا] ، ۱۳۹۱ ق

۲. مصطفی بن عبد الله ، حاجی خلیفه ، کشف الظنون ، ج ۲ ، ص ۲۰۱ ، تصحیح و تعلیق : محمد شرف الدین یالتقایا ، رفعت بیلگه الکلیسی، بیروت - لبنان ، دار إحياء التراث العربی، ابی تا] ، ابی چا]

۳. جعفری ، یعقوب ، ضرورت شناخت وجوه و نظائر در قرآن کریم ، ص ۱۱



جوزی را در تعریف این علم نقل می کند می گوید: در نظر ابن جوزی «نظیر» در الفاظ است و «وجوه» در معانی.

سپس نظر زرکشی را بیان می کند که بر خلاف ابن جوزی هر یک از وجوه و نظایر را به الفاظ بر می گرداند و ادامه می دهد که حاجی خلیفه نیز در کشف الظنون در تعریف وجوه و نظایر به سخن ابن جوزی بسنده می کند و نظر او را ترجیح می دهد، با اینکه از دیدگاه زرکشی و سیوطی نیز آگاه بوده است. سپس در پایان دیدگاه نهایی خود را اعلام می کند که نظر ابن جوزی صحیح است. ( زیرا وقتی ما به معنی لغوی هر یک از وجوه و نظایر مراجعه می کنیم روشن می شود که سخن ابن جوزی با معنی هر یک از آن وجوه و نظایر موافق است و دلیل آن این است که نظائر همان اشباه و أمثال هستند و آن چیزی است که در الفاظ تحقق می یابد، زیرا این الفاظ شبیه هم هستند و اما معانی همان وجوه هستند زیرا یک لفظ که در جاهای مختلف ذکر شده معنایی مغایر با آن لفظ در موضع دیگر دارد).<sup>۱</sup>

در علم وجوه و نظائر الفاضلی که دارای معانی گوناگون یا معانی ای که دارای الفاظ یکسان و مشترک باشند مورد بررسی قرار می گیرند ، اما نه از آن جهت که یک لفظ واحد برای معانی گوناگون وضع شده باشد ، بلکه از آن حیث که یک لفظ در معانی مختلف کاربرد و بسامد داشته باشد . یعنی کلمه ای هنگام کاربرد ، به معنایی خاص انصراف یابد ، اعم از اینکه آن معنا ، معنای حقیقی باشد یا مجازی ، کنایی بیاید یا به گونه ی استعاره ، مشترک لفظی باشد یا مشترک معنوی .

برای مثال لفظ «كَفَرَ» در ساختهای اسم و فعل ، دارای بیش از سی (۳۰) معنی است ، از جمله واژه «كُفْر» به معنای انکار خدای متعال و معجزات ، ناسپاسی و کفران ، گناه و جزای گناه ، بهانه جویی بی مورد یا درخواستهای نابجا به علت دقت نکردن در آیات ، کفر در عمل یا عمل کافرانه ، سرپیچی از عبادت خدا و ... می باشد.<sup>۲</sup>

مفسران نیز در تفاسیر خود ضمن بررسی لغات به بحث نظائر پرداخته اند به عنوان مثال طبرسی تلاش می کند با ذکر نظائر یک واژه که با آن در اصل معنی اشتراک دارد به تفسیر و تبیین آن پردازد.<sup>۳</sup>

۱. حیری نیشابوری ، وجوه القرآن، با تحقیق دکتر نجف عرشی ، مقدمه محقق ، ص ۳۳-۳۴

۲. و سرمدی، محمود ، واژگان پژوهی قرآنی ، ، ص ۱۷.

۳. این پدیده در مجمع البیان به فراوانی یافت می شود. به عنوان مثال ایشان در تفسیر آیه شریفه «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره/۴۲) (حق را در لفافه باطل میپوشانید تاحق را کتمان کنید در حالیکه شما می دانید) می گوید: «اللبس و التغطية و التعمية نظائر» (هر سه واژه معنی پوشاندن می دهد) سپس تفاوت های ظریفی را که میان هر یک از این سه واژه وجود دارد بیان می کند. یا در مورد کلمات: (البطلان، الفساد، الكذب، الزور و البهتان) معتقد است که این واژه ها نظائر و تقریباً همه به یک معنا هستند. یا در ذیل آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلِّسَّائِلِينَ» (یوسف/۷) (در داستان یوسف و برادرانش نشانه هایی برای پرسشگران است) می گوید: (الآية و العلامة و العبرة نظائر)

استاد دکتر مهدی محقق نیز در مقدمه خود بر کتاب وجوه قرآن تفلیسی در تبیین معانی وجوه و نظائر می نویسد :

«مراد از وجوه موضوع له کلمه [یعنی معانی اولیه که برای آن وضع شده] نیست ، بلکه مستعمل فیه آن [موارد کاربرد و تحولات معنای بعدی] است . یعنی کلمه ای در حین به کار بردن ، انصراف به یک معنی پیدا کند ، اعم از اینکه آن معنی حقیقی باشد یا مجازی یا استعاری یا کنایی ، و نیز به نحو اشتراک لفظی باشد یا اشتراک معنوی»<sup>۱</sup>

باید توجه داشت که اصطلاح «وجوه و نظائر» غیر از اصطلاح «اشباه و نظائر» است که هم در علم نحو و هم در علم فقه کاربرد دارد . اشباه و نظائر در نحو و در ادبیات عرب، ذکر بناها و صیغه های مختلف افعال مجرد و مزید فیه است که در کتب ادبی آمده و از جمله سیوطی نیز در کتاب ادبی خود بحث گسترده ای را در این باره آورده است . این اصطلاح در فقه جمع آوری مسائل گوناگونی است که در ابواب فقه پراکنده اند ولی به یکدیگر شباهت دارند . در این باره نیز کتاب های مستقلی نوشته شده که کتاب *نزهة النظائر فی الجمع بین الاشباه والنظائر* تألیف ابن سعید حلّی از جمله آنهاست.<sup>۲</sup>

## روش علم وجوه و نظائر

تدوین صورتی از نظائر کلمات قرآنی برای تعیین وجوه آن الفاظ یعنی معانی مختلفی که هر لفظ در سراسر قرآن در بر دارد، این روش عبارت است از شمارش دقیق جزئیات معنایی که یک کلمه بر حسب سیاقهای مختلف می یابد.

---

و به بیان فرق ها بین کلمات متشابه از جهت معنا (فروق لغویه) که آن ها را نظائر می نامد می پردازد. به عنوان مثال ذیل آیه شریفه «وَآمَنُوا بِمَا أَنْزَلَتْ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَ لَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ إِيَّايَ فَاتَّقُونِ» (بقره/۴۱) (در کتابی که نازل کردیم ایمان آورید و در کفر و انکار قرآن پیشقدم نشوید و آیات مرا به بهای اندک دنیا خریدار نشوید و تنها از من بترسید.) می گوید: سه واژه ثمن ، عوض و بدل نظائر هستند و تفاوت هایی میان هر یک از آن ها وجود دارد.

ثمن - بهاء - با کلمات «عوض و بدل» هم معنی است با این تفاوت که «ثمن» بدل در معامله است پول باشد یا غیر آن ولی عوض ، اعم از آن است و بدل چیزی است که به جای دیگری قرار می دهند و فرق «ثمن» با «قیمت» (ارزش) آن است که «ثمن» (بهاء) ممکن است مساوی با کالا و ممکن است زیاد و کم باشد ولی «قیمت» با کالا برابر است.

ابن عاشور نیز در مورد برخی از مفردات به ذکر فروق لغویه یا نظائر آنها می پردازد. مثلاً ذیل آیات سوره مبارکه هود و سوره ق « فواد ، قلب و عقل و لبّ » را با هم مترادف می داند .

«فواد»: و الفؤاد مستعمل فی معنی العقل و اللبّ. (ذیل سوره مبارکه قصص /۱۰)

و الفؤاد: أطلق علی الإدراک كما هو الشائع فی کلام العرب. (ذیل سوره مبارکه هود /۱۲۰)

و القلب: العقل و إدراک الأشياء علی ما هی علیه. (ذیل سوره مبارکه ق /۳۷)<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> تفلیسی ، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم ، وجوه قرآن ، مقدمه مصحح ، پانزده ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ چهارم ، ۱۳۸۶ ش

<sup>۲</sup> جعفری ، یعقوب ، ضرورت شناخت وجوه و نظائر در قرآن کریم ، ص ۱۲.

## اقسام وجوه

وجوه گاه در کلمات مفرد هست و گاه در جمله، که به انواع آن در ذیل اشاره می‌کنیم:<sup>۱</sup>

۱- وجوه در کلمات مفرد: مانند واژه برهان در آیه ۲۴ یوسف « و لقد همّت به وهمّ بها لولا ان رأی برهان ربّه » که از هفت معنای برهان، بهترین معنای برهان، ایمان راسخ و مقام عصمت حضرت یوسف می باشد.<sup>۲</sup>

۲- وجوه در جمله: مانند آیه ۲۴ انفال « و اعلموا انّ الله يحول بين المرء و قلبه » که وجوهی که در تفسیر و تأویل آن گفته اند تا شش گفتار است مانند تسلط خدا بر انسان و یا نزدیک بودن خدا به انسان.

## پیشینه علم وجوه و نظایر و آثار و نوشته ها درباره این علم

تاریخ نخستین نوشته ها درباره این علم به قرن اول و دوم باز می‌گردد. نخستین بار شخصی به نام مقاتل ابن سلیمان بلخی خراسانی (متوفی ۱۵۰ هـ ق) این روش را در قرن دوم هجری در تفسیر وارد نمود. کتاب مقاتل به نام *الاشباه و النظایر فی القرآن الکریم* به عنوان نخستین اثر به سال ۱۵۰ هـ ق تألیف شده است.

بعد از مقاتل ابن سلیمان در قرن دوم کتاب *الوجوه و النظایر فی القرآن الکریم* اثر هارون بن موسی را داریم. در همین قرن کتاب *تصاریف از یحیی بن سلام* تألیف شده است. در قرن سوم کتاب حکیم ترمذی به نام *تحصیل نظایر القرآن* مشاهده می‌شود. در قرن چهارم و پنجم این علم گسترش یافت و مطالب آن فراوان گشت و شیوه های تألیف وضع بهتری به خود گرفت، چنانکه در قرن پنجم *وجوه قرآن* اسماعیل حیری نیشابوری (متوفی ۴۳۰ هـ ق) و سپس کتاب *الوجوه و النظایر فی القرآن دامغانی* (متوفی ۴۷۸ هـ ق) که در بردارنده ۵۰۰ واژه است، نگارش یافت.

در اواخر قرن ششم کتاب *نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه و الاشباه و النظایر* از ابن جوزی تألیف شده است. (متوفی ۵۹۷ هـ ق) که نخستین تعریف از اصطلاحات این علم در کتاب وی می باشد.

در قرن هشتم کتاب *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتب العزیز* نوشته فیروز آبادی تألیف شده و کتاب *کشف السرائر عن معنی الوجوه و النظائر* از شمس الدین بن عماد که صد و پنج واژه دارد.

<sup>۱</sup> . معرفت، علوم قرآنی ص ۱۲۳-۱۲۲ (البته هدف ما در این تحقیق بررسی واژه هایی است که در حروف، حرکت و سکون یکسان باشد، بنابراین تقسیم بندی فوق در این پژوهش به طور کامل لحاظ نشده است.)

<sup>۲</sup> . رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۸ ص ۱۱۹-۱۲۰؛ طبرسی؛ مجمع البیان ج ۵ ص ۲۲۵

<sup>۳</sup> . معرفت، علوم قرآنی، ص ۱۱۹.

بحث درباره وجوه معانی لغات قرآن گاه به صورت کتابی کامل در آمده مانند کتاب الوجوه و النظائر ابن دامغانی و یا کتاب وجوه القرآن ابوالفضل حیش بن ابراهیم تفریسی که کتاب خود را با توجه به وجوه القرآن مقاتل نوشته و از تفسیر ابوالحسین ثعلبی کمک گرفته است. و گاهی دانشمندان فصلی از کتاب خود را اختصاص به معرفت وجوه می دادند، مانند سیوطی (متوفی ۱۱۱۱ هـ ق) در الاتقان فی علوم القرآن و ابوالفرج ابن جوزی که فصلی از کتاب خود (نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه و الاشباه و النظائر) را با عنوان «ابواب متخبه من الوجوه و النظائر» در باره وجوه و نظائر آورده است. چند قرن پیش از ابن جوزی، ابن قتیبه (متوفی ۲۷۶ هـ ق) فصلی از کتاب خود را به عنوان «اللفظ الواحد للمعانی المختلفة» به مبحث وجوه و نظائر اختصاص داده بود.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> سلوی محمد العوا، وجوه و نظائر درقرآن کریم، ترجمه ی دکترسید حسین سیدی، ص ۸۳

## جایگاه و ضرورت شناخت وجوه و نظایر و تأثیر آن بر ترجمه های

### فارسی معاصر

شناخت وجوه و نظایر از ضرورت های اولیه برای مترجمان قرآن کریم است . با توجه به گوناگونی موارد کاربرد واژه ها در زبان عربی ، همواره با این واقعیت مواجه هستیم که گاهی یک واژه در جمله ای معنایی می دهد که همان واژه در جمله دیگر معنایی متفاوت دارد و تنها با قرینه های مختلف می توان به مفهوم درست آن واژه پی برد . بدین جهت است که دانشمندان و متخصصان علوم قرآنی ، موضوعی را تحت عنوان «وجوه و نظایر» مطرح کرده و آن دسته از الفاظ قرآنی را که در موارد مختلف ، معانی متفاوتی دارند ، مورد بحث و بررسی قرار داده اند .<sup>۱</sup>

نزد قرآن پژوهان ، فهم واژگان قرآن ، شرح مفردات آن و یافتن غرایب آن بیش از سایر علوم اهمیت دارد.<sup>۲</sup>

مقاتل بن سلیمان در آغاز کتابش در باره وجوه قرآن حدیث مرفوعی آورده است که: مرد، فقیه کامل نخواهد شد تا آنکه وجوه بسیاری برای قرآن بداند. «لایکون الرجلُ فقیهاً کلَّ الفقه حتّی یری للقرآن وجوهاً کثیره»

سیوطی می گوید: منظور از آن این است که در یک لفظ معانی متعددی که احتمال می رود ببیند - البته در صورتی که با هم نباشد - و لفظ را بر همه آن معانی حمل نماید و بر یک معنا اکتفا نکند . و دیگران گفته اند: مقصود اشاره های باطنی و اکتفا نکردن بر تفسیر ظاهر است.<sup>۳</sup>

پس درک صحیح قرآن در آن است که یک مفسر دانا تمامی وجوه محتمله آیات را بداند و بتواند صحیح آن را از سقیم جدا سازد .

به همین خاطر پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «القرآن ذلّولٌ ذو وجوه ، فاحملوه علی أحسن الوجوه»<sup>۴</sup>

۱. جعفری ، یعقوب ، ضرورت شناخت وجوه و نظایر در قرآن کریم ، ص ۹ .

۲. سلوی محمد العوا ، وجوه و نظایر در قرآن کریم ، دو (مقدمه مترجم)

۳. خواجهی ، محمد ، مقدمه ترجمه ، ص ۳

۴. معرفت ، محمد هادی ، علوم قرآنی ، ص ۱۲۲

«قرآن انعطاف پذیر و چندگونه است ، پس آن را به بهترین وجه و گونه هایش حمل کنید.»

آیت الله معرفت در خصوص اهمّیت مسأله وجوه و نظایر می نویسد: «یکی از مسائل قرآنی ، مسأله «وجوه و نظائر» است که راه احتمال را در فهم معانی قرآن بازنموده و گاهی موجب اشتباه برخی و گاه دستاویزی برای فتنه جویان شده است. لذا شناخت وجوه و احتمالات و نیز اشباه و نظائر ، یک ضرورت تفسیری به شمار می رود. در این زمینه ، کتاب ها و رساله های فراوانی نوشته شده و نیز مؤلفاتی با عنوان غریب القرآن یا تأویل مشکل القرآن ارائه شده است . پیشینیان در این زمینه کوشش فراوان نموده و برای حل مشکلات قرآنی ، آثار نفیسی از خود به یادگار گذاشته اند .<sup>۱</sup>

گروهی از دانشمندان وجود وجوه و نظایر را در قرآن از جمله انواع معجزات قرآن قلمداد نموده و گفته اند : گاه یک کلمه در بیست وجه یا بیشتر یا کمتر استعمال می شود و این خصوصیت در کلام بشری یافت نمی گردد .<sup>۲</sup>

روایات مأثور از رسول اکرم (ص) و علی (ع) نشان دهنده آن است که این کتاب عظیم دارای لایه های مختلف معنایی است. بنابراین فهم دقیق آن منوط به فهم وجوه و نظایر است.

برای کسی که قرآن را به زبان های دیگر ترجمه می کند آشنایی با وجوه و نظایر از ضرورت های اولیه است . البته منظور این نیست که مترجم تمام وجوهی را که در تفسیر و کتاب های خاص این علم آمده در ترجمه پیدا کند ، بلکه در مواردی که می توان وجه جامعی پیدا کرد همان را همه جا ذکر کند ، و اگر وجه جامعی وجود نداشت باید در هر موردی معنای دیگری را بیاورد ، مثلاً کلمه «شیء» را که ۷۲ وجه برای آن ذکر شده است همه جا می توان به «چیز» ترجمه کرد و اشکالی ندارد ، و آن وجوه ذکر شده مربوط به تفسیر آیات آن است .

اما کلمه «صلوة» را نمی توان همه جا به «نماز» ترجمه کرد، بلکه باید کلمه «صلوة» را در آیه «لَهُدًى صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصَلَوَاتٌ» حتماً آن را به کنیسه ترجمه کرد. یا کلمه قرآن را نمی توان همه جا به معنای قرآن کریم گرفت ، بلکه در «قرآن الفجر» در آیه ۸۷/اسراء، حتماً باید آن را به نماز ترجمه کرد و یا کلمه «امّه» همیشه به معنای گروه نیست و در «و اذْكَرَ بَعْدَ اُمَّه» در آیه ۴۵/یوسف، به معنی مدت و زمان است.

<sup>۱</sup> معرفت ، محمد هادی، علوم قرآنی ، ص ۱۱۹.

<sup>۲</sup> زرکشی ، البرهان فی علوم القرآن ، ج ۱ ، ص ۱۰۲.

البته بعضی از مترجمان فارسی زبان در رعایت وجوه راه افراط را در پیش گرفته‌اند و در ترجمه بعضی از کلمات خود را مقید به آن وجوه کرده‌اند و بعضی دیگر از مترجمان «وجوه» را به طور کلی بیرون از حوزه ترجمه دانسته‌اند که از جمله آنان آقای مجتبوی است که در این باره می‌گوید :

«ترجمه غیر از «وجوه» است. «وجوه» در حوزه تفسیر است و نمی‌توان به جای ترجمه آورده بلکه ابتدا باید ترجمه دقیق و صحیح کلمات را صرف نظر از وجوه مختلفی که نظر مفسران است و ممکن است درست یا نادرست باشد آورد و آنگاه در شرح و تفسیر ، وجوهی را که احتمال صحّت آنها می‌رود ذکر کرد.»

این سخن نیز به صورت کلی درست نیست. در بعضی از موارد که وجوه مختلف واژه، قدر جامعی ندارند حتماً باید وجوه معنایی در ترجمه رعایت شود و در هر موردی معنا و وجه خاص آن مورد، در ترجمه منعکس گردد. اتفاقاً آقای مجتبوی خود نیز در ترجمه اش در این گونه موارد ، وجوه را رعایت کرده است، مثلاً در «صوامع و بیع و صلوات» واژه «صلوات» را به معنای کنیسه گرفته است و به کنیسه‌های یهود ترجمه کرده و نه نماز، و هم چنین واژه «قرآن» را در «و قرآن الفجر» به معنای نماز گرفته و نه کتاب آسمانی مسلمانان.

بنابراین مترجم قرآن حتماً باید از وجوه الفاظ قرآن و موارد کاربرد آن ها آگاهی داشته باشد و در مواردی که وجه جامع و مشترک پیدا نشد ، آن وجوه را مدّ نظر قرار دهد و واژه را در هر موردی مطابق با دلالت آن ترجمه کند.<sup>۱</sup>

ناگزیر باید نهایت دقت را در ادراک دلالت صحیح الفاظ قرآن که در هنگام نزول بر آن اشتمال دارند، مبذول داشت تا نتایج علمی و یا فلسفی که مترتب بر آن است به دقت به دست آید و میلیون ها مسلمان که قرآن را می‌خوانند نیاز به ادراک صحیح از این غرایب الفاظ که معنایش از آنان پوشیده است، دارند. چنانکه صاحب تفسیر ، کشف الاسرار ، درباره کلمه «سوء» آن را بر یازده وجه تفسیر کرده است یعنی کلمه ای در مقام استعمال انصراف به یک معنی پیدا کند خواه آن معنی ، معنی حقیقی باشد و یا مجازی و یا استعاری و یا کنایی ، و یا به صورت اشتراک لفظی باشد و یا معنوی.<sup>۲</sup>

فهم وجوه الفاظ قرآن و موارد استعمال آنها و ترجمه هر واژه مطابق دلالت آن برای هر مترجم قرآن لازم است تا ترجمه دقیقی از قرآن به دست آید. ولی مشاهده می‌کنیم که بعضی از مترجمان فارسی زبان در رعایت وجوه، راه افراط را در پیش گرفته‌اند و در ترجمه بعضی از کلمات خود را مقید به رعایت وجوه کرده‌اند و ترجمه ناستواری به دست داده‌اند و بعضی دیگر از

<sup>۱</sup>. جعفری یعقوب، ضرورت شناخت وجوه و نظایر ، ص ۱۹-۲۰.

<sup>۲</sup>. خواجوی ، محمد ، ترجمه قرآن ، مقدمه ، ص ۳.

مترجمان، وجوه را به طور کلی بیرون از حوزه ترجمه قراردادده اند و کاملاً راه احتیاط پیموده اند و در بسیاری از وجوه الفاظ ترجمه ضعیفی ارائه داده اند.

## اهمیت ترجمه قرآن

ترجمه به منظور آشنا شدن اهل یک لغت و زبان با پیام و معارفی است که در لغت و زبان دیگر مطرح است.

ترجمه عبارت است از برگردان مفاهیم چه نوشته و چه گفته، از یک زبان که زبان مبدأ نامیده می شود به زبان دیگر که زبان مقصد خواننده می شود، به طوری که متن ترجمه شده همان تعبیری را که در زبان مبدأ دارد در زبان مقصد هم داشته باشد.<sup>۱</sup>

## ویژگی های لازم برای مترجم قرآن

قرآن کتابی معمولی، مقاله یا داستان کوتاه و یا رمان (داستان بلند) نیست که ترجمه آن با اطلاعات محدودی میسر باشد. آشنایی به زبان عربی به تنهایی نمی تواند به معنی آشنایی با قرآن به حساب آید، صدها کتاب و مقاله در زمینه تفسیر و شناخت قرآن نوشته شده که حاکی از اهمیت و دشواری فهم صحیح اجزاء آن است و مترجم قرآن باید اطلاعات مختلفی داشته باشد، علاوه بر شناخت ادبیات عرب، آشنایی ژرف با فرهنگ و ادب زبان مقصد و آگاهی از دیدگاه های جدید درباره ترجمه، از جمله مهمترین شرایط برای مترجم قرآن آشنایی با موضوعات علوم قرآنی است، تا یک مترجم بتواند ترجمه ی بهتری از قرآن ارائه بدهد.

بهاالدین خرمشاهی ۲۲ شرط برای یک مترجم قرار می دهد که عبارتند از:<sup>۲</sup>

- ۱- لغت ۲- نحو ۳- تصریف ۴- اشتقاق ۵- معنی ۶- بیان ۷- بدیع ۸- علم قرائت ۹- علم اصول دین ۱۰- علم اصول فقه ۱۱- اسباب نزول و قصص ۱۲- ناسخ و منسوخ ۱۳- فقه ۱۴- احادیث (روایة الحدیث - در اية الحدیث) ۱۵- علم موهبت که خداوند به هر کس که به علم خویش عمل کند می بخشد. ۱۶- عربیت و ادبیت ۱۷- انس با قرآن ۱۸- علم تفسیر ۱۹- فارسی دانی و فارسی نویسی ۲۰- مهارت در صنعت ترجمه ۲۱- احتیاط علمی (مقابله ترجمه های قدیم و جدید قرآن با متن مقدس قرآن) ۲۲- ایمان و عشق و اعتقاد به قرآن

<sup>۱</sup> باطنی، محمد رضا. پیرامون زبان و زبان شناسی، ص

<sup>۲</sup> بهاء الدین خرمشاهی، ترجمه قرآن، گفتار مترجم، ص ۶۲۶



## آشنایی با مترجمان منتخب معاصر و روش ترجمه آنان

### ۱- عبدالمحمد آیتی

وی از برجسته ترین مترجمان و ادبای امروز است از آثار وی ترجمه شش مجلد تاریخ العبر ابن خلدون، ترجمه نهج البلاغه، ترجمه صحیفه سجادیه و معلقات سبعة می باشد. ترجمه قرآن وی یکی از موفقترین و محبوبترین ترجمه های روزگار ماست و بارها تجدید چاپ شده و نقد و نظر هایی نیز بر آن نگاشته شده است.<sup>۱</sup> وی سعی کرد قرآن را سلیس و روان و قابل فهم برای کلیه اقشار جامعه ترجمه کند و تا حدودی موفق بوده است.

#### ویژگی های ترجمه آیتی:

- ۱- برخی از مطالب که نیاز به توضیح دارد در پاورقی توضیح داده است. (مثلاً مراد از اولی الامر در آیه ۵۹ سوره نساء.)
- ۲- در ابتدای هر سوره نام سوره ها را معنا نموده است. (مانند سوره اعراف به معنی بلندی ها.)
- ۳- از مطالب اضافی در ترجمه کمتر استفاده کرده است.
- ۴- ترجمه وی، ترجمه جمله به جمله می باشد.

### ۲- ابوالقاسم پاینده

شادروان ابوالقاسم پاینده (متوفی ۱۳۶۳ هجری شمسی) یکی از برجسته ترین و پرکارترین مترجمان عصر حاضر به ویژه در رشته تاریخ بود. وی سراسر تاریخ طبری و تاریخ مروج الذهب و دهها اثر ارزشمند دیگر را به فارسی روان و شیوا ترجمه کرده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> نقد آقای علیرضا ذکاوتی قراگزلو بر ترجمه آیتی در نشر دانش، شماره ۴ و ۳؛ مقاله آقای سید حیدر علوی نژاد در نشریه فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴ ش

<sup>۲</sup> بهاءالدین خرمشاهی؛ ترجمه قرآن، گفتار مترجم ص ۶۲۱

ترجمه ایشان در قرآن کریم همانند ترجمه مرحوم قمشه ای سبک و سیاق امروزی و همه کس فهم داشته است، نثر ترجمه پاینده از آنجا که در ترجمه حرفه ای بود و در نویسندگی ید بیضا داشت از ترجمه مرحوم قمشه ای بهتر و فصیحتر است ولی از نظر احتوا بر سهوها و اشتباهات علمی و معنایی فراوان با آن قابل مقایسه است.<sup>۱</sup>

### ویژگی های ترجمه پاینده :

۱- افعال معلوم و مجهول به همان صورت معلوم و مجهول ترجمه شده اند.

۲- سعی کرده همه کلمات آیات را ترجمه کند.

۳- نوع ترجمه، جمله به جمله است.

۴- دارای مقدمه پیرامون جایگاه قرآن و کیفیت نزول می باشد.

### ۳- زین العابدین رهنما

یکی از فرخنده ترین رویدادهای قرآن پژوهشی در عصر جدید، ترجمه همراه با شرح توضیحات کوتاه در پای صفحات، به قلم شادروان زین العابدین رهنما می باشد. وی ابتدا ترجمه سوره هود را در تیراژ محدود برای ملاحظه فضلا و قرآن پژوهان جهان اسلام به ویژه فارسی زبانان تهیه و به اطراف و اکناف جهان اسلام فرستاد و پس از نقد و نظرهای بسیاری که دریافت داشت، تدوین و چاپ نهایی ترجمه خود را انتشار داد.<sup>۲</sup>

مرحوم رهنما در به دست دادن این ترجمه، شیوه درست و دقیق و بسیار کم غلط و توضیحات محققانه تفسیری دارد و از همکاری جمعی از فضلاء قرآن شناس مانند آیت الله شعرانی و دکتر علی اصغر حلبی برخوردار بوده است. بنابراین ترجمه ایشان نوعی ترجمه تفسیری می باشد.

وی انگیزه خود را از ترجمه و تفسیر قرآن دسترسی همه افراد چه مسلمان و چه غیر مسلمان به نوعی ترجمه می داند که از نوع ترجمه تحت اللفظی غیر قابل فهم نباشد و در عین حال ترجمه به معنی صرف هم نباشد که از قالب نورانی کلام خدا خارج شود بلکه ترجمه ای باشد که هم به متن قرآن هر چه بیشتر نزدیک باشد و در ترکیب بندی جملات همان سبک و انشائی که در کلمات قرآن است بکار رود.

### ۴- محمد خواجه

<sup>۱</sup>. بهاء الدین خرمشاهی؛ ترجمه قرآن، گفتار مترجم، ص ۶۲۳

<sup>۲</sup>. بهاء الدین خرمشاهی؛ ترجمه قرآن، گفتار مترجم، ص ۶۲۴

آقای محمد خواجه‌جوی از برجسته‌ترین صدرا شناسان و عرفان پژوهان عصر جدید و مصحح و مترجم امهات متون ملاصدرا است. وی متولد ۱۳۱۳ ش می باشد و ۳۴ اثر در قالب ترجمه، تصحیح و یا شرح و رساله دارد.<sup>۱</sup> وی برای ترجمه قرآن از دوازده متن از متون اولیه و کهن علوم قرآنی استفاده کرده و قرآن را بر طبق روایت حفص از عاصم ترجمه کرده است. شماره آیات را بر اساس روش عبدالرحمن عبدالله بن حبیب سلمی از علی (ع) انتخاب کرده است.<sup>۲</sup>

### ویژگی های ترجمه خواجه‌جوی

۱- ترجمه قرآن وی شامل مباحث وجوه و نظائر و غریب القرآن و مقاصد قرآن همراه با شأن نزول آیات و کشف مبهمات قرآن با مقدمه ای به نام مشارق البیان فی مسائل القرآن (که پژوهش در علوم قرآن است) می باشد، یکی از مهمترین ویژگی های ترجمه ایشان ظاهر کردن وجوه و نظایر در بسیاری از واژه های قرآنی می باشد. خود وی در مقدمه ترجمه اش می گوید:

«اساس کار ما بر محور وجوه و نظایر و غریب و مقاصد قرآن می باشد و رهبر ما در این کار سیاق لسان عربی و اسلوب زبان فارسی بوده است. از چهل سالگی که با قرآن سروکار دارم عنایتی خاص به وجوه و اشباه و نظایر و غریب و مقاصد قرآن داشتم و چون چنین کاری در ترجمه های قرآنی مطلقاً صورت نگرفته بود، میل قلبی ام بدان طرف مایل بود.»

کار ایشان در ترجمه مراجعه به ریشه و اصل لغت بوده است، یعنی عین آنچه را که یک عرب زبان به نحو متعارف از واژه می فهمد به فارسی بر می گرداند (غیر از مجازها، وجوه و نظایر و الفاظ غریب)، بنابراین ترجمه آقای خواجه‌جوی، یک ترجمه تحت اللفظی می باشد.

سبک ترجمه ایشان با ترجمه پاینده مشابهِت دارد ولی اشتباهات آن ترجمه را ندارد.

۲- در پایان مصحف آیاتی را که دارای شأن نزول هستند به ترتیب سوره ها، ذکر کرده است.

۳- در هر صفحه ترجمه، در پاورقی دیدگاه برخی از مفسران مانند صاحب تفسیر مجمع البیان و تفسیر شبر و... که در باره آیه نظرات خاصی داشته اند ذکر کرده است.

۴- در ابتدای هر سوره پس از ذکر مدنی یا مکی بودن آن، شماره و ترتیب نزول سوره را آورده است.

۵- ترجمه از دقت بالایی برخوردار است و اشکالات ادبی در آن کمتر است.

۶- نوع ترجمه، ترجمه جمله به جمله است.

۲. بهاء الدین خرمشاهی؛ ترجمه قرآن، گفتار مترجم، ص ۶۲۴

۱. ر.ک: به مقدمه ترجمه قرآن محمد خواجه‌جوی

## ۵- محمد مهدی فولادوند

استاد مرحوم محمد مهدی فولادوند (متوفی به سال ۱۳۸۷ ش) صاحب یکی از مهمترین و موفق ترین ترجمه های فارسی قرآن کریم در عصر جدید است. وی ۱۴ سال در فرانسه مشغول به تحصیل بوده و دارای تالیفات متعددی به زبان فارسی و فرانسه می باشد. مترجم مدت ۳۰ سال تلاش نمود تا بتواند ترجمه ای سلیس و روان تقدیم جامعه اسلامی کند، ترجمه ایشان در ردیف ترجمه های طراز اول و ممتاز می باشد.

این ترجمه را ۵-۶ تن از فضلاء قرآن شناس حوزه علیمه قم در مدتی افزون بر ۲ سال ویرایش و اصلاح کرده اند و آخرین ویراستار، بهاءالدین خرماشاهی می باشد.<sup>۱</sup> درباره این ترجمه نقدها و مقالاتی نوشته شده است.<sup>۲</sup>

### ویژگی های ترجمه فولادوند :

۱- این اثر ترجمه ای مبسوط و تفسیر آمیز از قرآن کریم است که سطح علمی و تحقیق آن عالی می باشد.

۲- توضیحات بعضی از آیات در داخل پرانتز نوشته شده و از متن اصلی جدا شده است.

۳- در ابتدای هر سوره مکی یا مدنی بودن و تعداد آیات آن را ذکر کرده است.

۴- حروف مقطعه را به صورت تلفظ آنها در ترجمه نوشته است.

۵- ترجمه ایشان، ترجمه جمله به جمله می باشد و ترتیب جملات، طبق آیات بدون تقدم و تأخر است.

۶- ترجمه از سلاست و روانی برخوردار است .

## ۶- محمد کاظم معزی

ترجمه مرحوم شیخ محمد کاظم معزی ، آخرین ترجمه تحت اللفظی مهم و معنی دار قرآن کریم است که به سبک و سیاق هزار ساله ترجمه تحت اللفظی قرآن کریم در زبان فارسی حسن ختام می بخشد. در این روش مترجم از روش ترجمه کلمه به کلمه استفاده کرده است از آنجا که این روش ترجمه نیازمند دقت بیشتری است و مترجم در تلاش است تا رعایت امانتداری شود، لذا برای پیدا کردن کلمات معادل کلمات عربی نیازمند به تسلط به هر دو زبان می باشد که در این

<sup>۱</sup> بهاء الدین خرماشاهی ، ترجمه قرآن ، گفتار مترجم ، ص ۶۲۵

<sup>۲</sup> فولادوند، محمد مهدی، مقاله ترجمه ای دیگر از قرآن کریم، مجله بینات شماره ۱ بهار ۱۳۷۳؛ سلطانی، علی، مقاله نگاهی به ترجمه سوره حمد و بقره در ترجمه استاد فولادوند ، بینات شماره ۵ بهار ۱۳۷۴؛ کرباسی، مرتضی ، نقد ترجمه فولادوند، نشریه حوزه و دانشگاه سال اول شماره سوم تابستان ۱۳۷۴ ش